

رفتار سیاسی آیه الله مدرس از منظر امام خمینی

تاریخ دریافت: ۸۲/۶/۱۰

تاریخ تأیید: ۸۲/۷/۲۴

دکتر ابراهیم برزگر*

یافته این نوشتار آن است که برای فهم اندیشه امام خمینی باید به دنبال شناخت سرمشق‌های امام یا به تعبیر دیگر شخصیت‌هایی بود که امام آمال خود را در اندیشه و رفتار آنان متجلی می‌دید. یکی از بارزترین این شخصیت‌ها، آیه الله مدرس است که به موارد قابل مقایسه زیادی در این دو شخصیت می‌توان رسید. با توجه به تقدم زمانی مدرس می‌توان شواهدی دال بر تأثیرپذیری امام از ایشان دست یافت. به نظر می‌رسد یافته این مقاله برای درک عمیق‌تر اندیشه و رفتار امام خمینی مناسب باشد.

واژه‌های کلیدی: اندیشه سیاسی، رفتار سیاسی، امام خمینی، مدرس.

مقدمه

متفکر سیاسی از رهبران عصر خود و نیز رخداد‌های زمانه خویش عبرت می‌گیرد، به گونه‌ای که این عبرت‌آموزی بر اندیشه، رفتار و تصمیم‌گیری سیاسی او تأثیر می‌گذارد. البته آنان خود نیز بر اندیشمندان پس از خود و نیز حوادث بعدی تأثیر می‌گذارند. این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در شخصیت‌های گوناگون متفاوت است؛ همچنان که درباره امام خمینی به‌طور قطع غلبه با کفه تأثیرگذاری است. نقش امام خمینی در ایجاد و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در زمینه شناخت و

معرفی ابعاد سیاسی اسلام و احیای دینی از بعد اندیشه‌ای، بیانگر تأثیرگذاری عظیم ایشان بر قرن حاضر است. اندیشه عملی امام خمینی همچنان در واپسین سال‌های قرن بیستم بر جهان سایه افکنده و با چنین دستاوردی جهان وارد قرن بیست و یکم شده است.

مقایسه اندیشه و رفتار سیاسی امام و مدرس

در تحلیل گفتار و نوشتار امام خمینی درباره شخصیت‌های مختلف تاریخ ایران و جهان به اظهار نظرها و قضاوت‌های گوناگونی برمی‌خوریم. گاه افرادی مورد تأیید قرار گرفته و در مواردی تکذیب و نکوهش شده‌اند و در هر مورد، به چگونگی موضع‌گیری زمان آنها استشهد کرده‌اند. اعمال و رفتار سیاسی چنین شخصیت‌هایی محتوای بیانات و پیام‌های امام را تشکیل می‌دهد و در واقع نوعی «کنش گفتاری»^{*} محسوب می‌شود. نکته حایز اهمیت و برجسته در این «تحلیل محتوا»، جایگاه و شخصیت ممتاز آیه‌الله سیدحسن مدرس در نگاه امام خمینی است؛ همچنان که ایشان بر «مدرس‌شناسی» تأکید می‌کنند: «بر ماست که ابعاد روحی و بینشی سیاسی، اعتقادی او را هرچه بیشتر بشناسیم و بشناسانیم».^۱

مقاله حاضر در مقام اثبات این ادعاست که شخصیت و رفتار سیاسی سیدحسن مدرس پیوسته در کانون توجه امام خمینی است و گویی این‌که امام در رفتار سیاسی خویش از ایشان به عنوان الگویی مناسب در قرن حاضر تأثیر می‌پذیرند، و سرمشق می‌گیرند یا آن‌که با «تقریر» خود مهر تأیید بر این‌گونه رفتارها می‌نهند. الگوی مدرس و خاطرات مستقیم و غیرمستقیم امام از مدرس اشتغال خاطر وی در وضعیت‌های گوناگون سیاست است؛ همچنان که عنایت خاصی به رفتار سیاسی مدرس دارند.

در مقایسه رفتارهای سیاسی آن دو به مشابهت‌های اصولی فراوانی برمی‌خوریم؛ کیفیت مبارزات امام و مدرس و تفاوت و در مواردی تضاد آن دو با نخبگان سیاسی داخلی و خارجی و نحوه زندگی سیاسی و اجتماعی و انتخاب زی‌طلبگی نمونه‌هایی از این وجوه تشابه است. امام در طرح بسیاری از مسائل از تجربه مدرس الهام می‌گیرند. صرف نظر از موارد بی‌شمار در شباهت‌های رفتار سیاسی، امام در ۳۷ مناسبت در بیان و پیام‌های مکتوب خود با ذکر نام مدرس، از او به عنوان الگویی جهت بلندپایگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران یا استشهد در مورد موضع‌گیری و رفتار سیاسی خود و یا برای بیان منظور خویش یاد می‌کنند و گاهی در تحلیل سیاسی رویدادها از نقل قول‌های وی مدد

* Speech Act

می‌گیرند؛ به‌طور مثال در جهت تشویق روحانیت به دخالت در امور سیاسی یا برای اثبات دخالت و نقش کلیدی روحانیون در طول تاریخ مثال زنده ایشان مرحوم مدرس است. در موارد دیگری نیز بدون این‌که نامی از مدرس ببرند، با بهره‌گیری از رفتار سیاسی و خاطرات مربوط به او، در تصمیم‌گیری الهام می‌گیرند.

هیچ شخصیت معاصری همچون مدرس مورد تعظیم و تأیید امام واقع نشده است و حتی پس از براندازی رژیم پهلوی و در دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز مدرس همچنان در کانون توجه امام است. این نکته از آن رو حایز اهمیت است که ویژگی‌های شخصیتی برخی از افراد متناسب انجام اقدامات انقلابی است؛ اما فاقد مهارت و توانایی لازم جهت دوران سازندگی هستند؛ حال آن‌که در کلام امام، الگوی رفتار سیاسی مدرس موضوعیت خویش را در هر دو دوره حفظ کرده است.

مقایسه رفتار سیاسی امام خمینی و شهید مدرس را می‌توان در دو بخش، یعنی تحلیل رفتار سیاسی در مورد براندازی رژیم سابق و نیز رفتار سیاسی در دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی، مورد بحث قرار داد. بخشی از استشهداد امام به مدرس مربوط به زمانی است که پهلوی دوم، محمدرضا شاه، بر سریر قدرت است. ابتدا به ذکر این موارد می‌پردازیم:

۱. موضوع اولتیماتوم دولت روسیه به ایران، یکی از قصه‌های مکرر امام است. دولت روسیه با تهدید دولت ایران به دخالت نظامی و اشغال ایران و تحت فشار قرار دادن نمایندگان مجلس شورای ملی وقت، قصد اخذ امتیازاتی را داشت. مدرس که در این زمان در مجلس حضور دارد با شجاعت بی‌نظیر خود سکوت مرگبار نمایندگان را می‌شکند و برای مخالفت با اولتیماتوم به آنان دل و جرأت می‌دهد و با شکستن جو رعب و وحشت، نمایندگان را به بی‌اعتنایی به تهدید روسیه تشویق می‌کند و روسیه نیز عملاً هیچ‌گونه اقدامی انجام نمی‌دهد. امام از این موضوع برای تبیین موضع‌گیرهای متعددی بهره می‌گیرند.

امام در گفتار بسیار تند خود در مخالفت با طرح احیای کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳/۸/۴ با ذکر ماجرای اولتیماتوم روسیه به ایران و مقاومت مدرس در برابر آن می‌فرماید:

علما موظفند ملت را آگاه کنند، دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم. شما که وکیل ما نیستید. وکیل هم بودید اگر خیانت کردید به مملکت، خود به خود از وکالت بیرون می‌روید. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما. خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد... اگر یک ملا تو این مجلس بود توی دهن اینها می‌زد. نمی‌گذاشت این کار بشود، من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند

بگیرید؟ همین! من مخالفم [و] سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگویید؟ مخالفت این است؟ باید هیاهو کنید؟^۲

ملاحظه می‌شود که در اوج طرح مسأله کاپیتولاسیون امریکایی، کانون توجه معطوف به قضیه اولتیماتوم روسیه و نحوه برخورد مدرس با آن است و این‌که نمایندگان مجلس مزبور بایستی همچون مدرس عمل کنند تا چنین طرحی به تصویب نرسد. امام آن جوشکنی را که مدرس در مجلس شورای ملی انجام داد در اجتماع مردمی در سال ۱۳۴۳ انجام می‌دهند و در اوج قدرت شاه، بی‌سابقه‌ترین حمله را متوجه دربار می‌کنند و علما و مردم را به اعتراض فرا می‌خوانند. در این روز از سوی رجال حکومتی به امام توصیه شده بود که به امریکا حمله نکنند، به اسرائیل کاری نداشته باشند و به شاه نیز حمله نکنند؛ اما امام دقیقاً برعکس، همین سه موضوع را محور سخنرانی خود قرار می‌دهند. به دلیل همین سخنرانی است که در سیزده آبان ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید می‌شوند. امام خمینی سیزده سال بعد در سخنرانی دیگری پس از شهادت فرزندش سیدمصطفی، پس از ذکر مبارزه مستمر روحانیت و تأکید بر ضرورت شدت بخشیدن آن علیه رژیم، به مدرس و رفتار سیاسی وی در ماجرای اولتیماتوم روسیه و حضور یک روحانی در صف اول صحنه مبارزه سیاسی استشهد می‌کنند و تأکید می‌کنند که نباید از واکنش‌های خشن و هیاهوها ترسید:

[مدرس گفت:] حالا که ما بناست از بین برویم چرا خودمان از بین ببریم خودمان را؟ رأی مخالف داد و بقیه جرأت پیدا کردند و رأی مخالف دادند، رد کردند اولتیماتوم را، آنها هم هیچ غلطی نکردند. بنای سیاسیون هم همین است که یک چیزی را تشر می‌زنند ببینند طرف چه جوری است. اگر چنانچه طرف ایستاد مقابلشان، آنها عقب می‌روند و اگر چنانچه نه، آن بیچاره عقب رفت اینها جلو می‌آیند... این نهضت آخری هم که منتهی شد به پانزده خرداد و این همه کشته دادند مردم، این هم در صف اولش اهل علم بود، علما بودند. تا حالا هم دنباله‌اش کشیده شده است.^۳

مشاهده می‌شود که امام در کوران انقلاب و در آستانه پیروزی انقلاب برای تأکید ورزیدن بر نقش روحانیت در مبارزه از نحوه رفتار سیاسی مدرس در برخورد با قضیه اولتیماتوم استفاده می‌کنند: آنوقتی که اولتیماتوم کرد روسیه به ایران،^۴ تنها کسی که خود اینها نوشتند و کلاً همه نشسته بودند و هیچ حرف نمی‌زدند... [مدرس] گفت: حالا که بناست ما از بین برویم چرا به دست خودمان از بین برویم؟ نه ما رد می‌کنیم... آنها هم هیچ کاری نکردند، اینها می‌خواهند ما را بترسانند... می‌نویسند کارتر... که ما پشتیبان شما [شاه] هستیم... چند روز پیش از این وزیر خارجه انگلستان مسأله را همان طوری که بود گفت ایشان حافظ منافع ماست... ما باید

حالا پشتیبانی از او بکنیم... این حرف‌ها را که آنها لشکر بیاورند از آن طرف، نه خیر اینها همه شعر است... این حرف‌ها را می‌زنند برای ترس [ترساندن] ما، آن وقت هم یک آخوند ایستاد و گفت نه، منتها خوب مردم همراه نبودند.^۵

به نظر امام در خصوص رفتار سیاسی نباید در جو ساختگی رعب و وحشت رقیبان و دشمنان تصمیم‌گیری کرد، بلکه باید جوشکنی کرد. امام با تأسی به مدرس در مبارزه با شاه اعلام می‌کنند که پشتیبانی و حمایت حامیان شاه طبل تو خالی است و برای تهدید و ترساندن و منصرف کردن مردم است. سخنان امام در قضیه تسخیر لانه جاسوسی «امریکا طبل تو خالی است» مشهور است. بسیاری از تهدیدها عملی نیست و بین «واقعیت» و «تصور از واقعیت عملی» تفاوت زیادی وجود دارد.

۲. مقطع بعدی استشهاد امام به موضع‌گیری‌های سیاسی مدرس در برابر رضاشاه است که گویی نسخه دوم رویارویی امام با محمدرضا شاه است. اظهار نظر شجاعانه مدرس در قبال سردار سپه و مبارزه او علیه رضاخان پیوسته جایگاه خاصی در کانون توجه افکار امام دارد. امام در پی کشتار نوزده دی ۱۳۵۶ با الهام از قول مدرس به تحلیل واقعه می‌پردازند:

در زمان رضاخان، مرحوم مدرس به رضاخان، پدر این خان، گفته بود که من شنیدم که شیخ‌الرئیس گفته من از گاو می‌ترسم برای این‌که اسلحه دارد و عقل ندارد. این حرف اگر از شیخ‌الرئیس هم ثابت نباشد یک حرفی است حکیمانه که اسلحه وقتی در دست اشخاص غیر صالح افتاد چه مفاسدی دارد.^۶

با قرار دادن گفتار در متن واقعیات روشن می‌شود که منظور امام، نظامیان مسلح رژیم شاه است که دست به قتل‌عام مردم بی‌دفاع زده بودند. آن‌گاه ایشان این تحلیل را در خصوص کل تاریخ بشر، تمامی جنگ‌ها و جنایت‌های پنجاه ساله سلطنت پهلوی صادق می‌دانند. امام با تعمیم این نظریه بر کل روابط بین‌الملل و نخبگان سیاسی و قدرت‌های بزرگ از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس این نقل قول مدرس برداشت می‌کنند: اگر فرد مهذب نشده باشد و این فرد به قدرت و اسلحه مسلح شود از این قدرت خویش در جهت فساد بهره می‌گیرد. مدرس بر همین اساس، رضاشاه را «قدرتمندی شاخدار» می‌داند.

مدرس پرچمدار مبارزه با رضاشاه بود. او در موارد متعدد، از جمله امور کشورداری، تلاش رضاشاه برای احراز مقام ریاست وزرایی و نیز در جریان اعلام جمهوری به جای سلطنت، همه جا با صراحت و شجاعت با رضاشاه به مخالفت پرداخت. یکی از مواردی که امام خمینی به آن اشاره می‌کند رویارویی مدرس و رضاشاه در ماجرای جمهوریت است. وی متذکر می‌شود رضاشاه قصد داشت به

تقلید از آتاتورک رژیم سلطنتی ایران را به جمهوری تبدیل کند و مخالف قاطع وی کسی جز مدرس نبود. مدرس در پاسخ به ایراداتی که درباره مخالفتش با رژیم جمهوری می‌شد، می‌گوید:

من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم تقریباً و بلکه تحقیقاً حکومت جمهوری بوده است، ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند بنا بر اراده ملت نیست، بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل نمایند، و رژیم حکومتی را که صد درصد دست نشانده و تحت اراده خود باشد در ایران برقرار کند و از همه مهم‌تر به واسطه مخالفت احمدشاه با قرارداد و خواسته‌های انگلیسی‌ها می‌خواهند از او انتقام بگیرند. اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادی‌خواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعدت با او دریغ نمی‌نمودم.^۷

مبارزه قاطع مدرس در این زمینه به درگیری وی با نمایندگان رضاخان در مجلس انجامید. بر سر تصویب اعتبارنامه وکلای ولایات که با نظر رئیس‌الوزراء انتخاب شده بودند کشمکش و مجادله سختی رخ می‌دهد. در وقت تنفس مجلس بین مدرس و بهرامی مشاجره‌ای رخ می‌دهد و بهرامی احياءالسلطنه سیلی به صورت مدرس می‌زند که موجب هیجان عمومی مردم و تنفر نمایندگان از مخالفان مدرس می‌گردد.^۸

از این سیلی ولایت پرخشا شد دکاکین بسته و غوغا به پا شد پس از این ماجرا به واسطه مظلومیت مدرس، چند نفری از موافقان جمهوری نیز به دسته مخالفان و بی‌طرفان ملحق می‌شوند و همین حرکت بزرگ‌ترین عامل بازدارنده و برهم زننده جمهوری می‌گردد. رضاخان خود گفته بود که این احياءالسلطنه با یک سیلی اساس جمهوری ما را برهم ریخت.^۹ امام خمینی از این ماجرا نیز چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگر انسان ساخته شود می‌تواند به تنهایی به جای یک گروه مفید باشد:

اینها از انسان می‌ترسند. اینها دیدند که یک مدرس در زمان رضاخان بود نمی‌گذاشت رضاخان آن وقت که جمهوری درست بکند. مدرس نگذاشت ولو برخلاف مصالح شد و اگر درست شده بود بهتر بود، لکن آن وقت اینها نظر سوء داشتند. یعنی او به سلطنت که نرسیده بود می‌خواست رئیس‌جمهور شود و بعدش هم کارهای دیگری بکند و کسی که جلو او را گرفت مدرس بود که نگذاشت این کار عملی شود... و بالاخره هم جانش را از دست داد.^{۱۰} امام هنگامی که در صدد اثبات نقش عینی روحانیان در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر و در پاسخ به ایجاد شبهه‌های گروه‌هاست بار دیگر از مدرس و داستان جمهوری سخن می‌گویند:

مرحوم مدرس یک کسی بود که در مقابل همه می‌ایستاد و مع‌الأسف اینها می‌گویند روحانیون نقشی نداشتند. یک روحانی در یک مجلس که رضاخان می‌خواست که جمهوری درست کند و مدرس مخالفت می‌کرد، می‌دانست که می‌خواهد حقه بزند و مردم را بچاپد فقط مدرس ایستاد و جلو او را گرفت.^{۱۱}

۳. آن‌گاه که سخن از انسان‌سازی و نقش تأثیرگذار او در سرنوشت خود و جوامع و محیط است، نمونه بارز در نظر امام الگویی به نام مدرس است:

این رژیم‌ها از انسان می‌ترسند. در هر رژیمی یک انسان اگر پیدا بشود متحول می‌کند کارها را، رضاشاه از مدرس می‌ترسید. آنقدر که از مدرس می‌ترسید از تفنگ‌دارها نمی‌ترسید.^{۱۲} امام درباره چگونگی وضع حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و نقش روشنفکری آنها نیز مرحوم مدرس را شاهد مثال می‌آورند که به رغم زندگی ساده و طلبگی خود به خوبی بر روند تحولات سیاسی اثرگذار بود:^{۱۳}

زمان رضاشاه غیر از زمان محمدرضاشاه بود. آن وقت یک قلدری بود که شاید تاریخ ما کم مطلع بود. در مقابل او همچو ایستاد و در مجلس در خارج که یک وقت گفته بود سید چه از جان من می‌خواهی؟ گفته بود که می‌خواهم تو نباشی...^{۱۴} و فریاد می‌زند که زنده باد خودم، مرده باد رضاخان، در آن وقتی که قدرت داشت رضاخان.^{۱۵}

۴. امام حتی در پاسخ پرسش خبرنگاران خارجی درباره این که نظر شما در خصوص بازگرداندن شاه به ایران چیست؟ از نقل قول مدرس در خصوص «دعای خیرش برای سلامت رضاخان» مدد می‌گیرد:

من مایلیم که او بیاید [محمدرضاشاه] به ایران، بیاورندش ایران و ما محاکمه کنیم [خطاب به مترجم]. بگویید به او که مرحوم مدرس که با شاه سابق دشمن سرسخت بود، یک وقتی که شاه به سفر رفته بود وقتی آمده بود مرحوم مدرس گفته بود که من به شما دعا کردم. خیلی او خوشش آمده بود که چطور یک دشمن دعا کرده بود. گفته بود نکته این است که اگر تو مرده بودی اموالی که از ما غارت کرده بودی و به خارجها داده بودی همه از بین رفته بود و من دعا کردم تو زنده باشی برگردی بلکه بتوانیم ما مالها را برگردانیم. حالا ما هم همینطور هستیم و این پسر [محمدرضا] هم بیشتر از او اموال ما را برده است به خارج.^{۱۶} سرانجام این که امام خمینی در یک جمع‌بندی کلی می‌فرماید:

«او [رضاخان] با مرحوم مدرس روزگاری گذراند و تماس خصوصی داشت و فهمید که با هیچ چیز نمی‌توان او را قانع کرد. نه با تطمیع، نه با تهدید و نه با قوه منطقی، از او حال

علمای دیگر را سنجید.^{۱۷}

در این بیان امام آسیب‌ناپذیری رفتار سیاسی را در سه محور تطمیع‌ناپذیری، تهدیدناپذیری، قدرت استدلال، منطق قوی و بازی نخوردن می‌دانند.

۵. امام در برخورد با نخبگان سیاسی فاسد داخلی و نیز نمایندگان قدرت‌های طاغوتی از مرحوم مدرس درس‌هایی نقل می‌کند. حتی در زمان فروپاشی نظام پادشاهی و استقرار جمهوری اسلامی رفتار سیاسی مدرس در اندیشه امام کارآیی دارد، و آن ذکر ظرافت‌های سیاست اسلامی است که در رفتار سیاسی یک مجتهد و مسلط به قواعد اسلامی جلوه‌گر شده است. امام با یاد کردن از مدرس تأکید می‌کنند که در برخورد با نخبگان سیاسی داخلی و نمایندگان قدرت‌های خارجی نباید خود را باخت، بلکه باید از همان اول مقاومت کرد. شخصیت مغرور آنان را خرد و تحقیر کرد. این‌جاست که رمز و راز رفتار سیاسی امام در قبال نخبگان سیاسی داخلی و ابرقدرت‌ها روشن می‌شود. ایشان خطاب به «سفرای و کارداران» دولت جمهوری اسلامی ایران نیز همین توصیه را دارند:

مرحوم مدرس هم این عادت را داشت، توی حیاطش یک فرشی انداخته بود و آن‌جا می‌نشست. قلیان هم وقتی می‌خواست، پا می‌شد خودش شروع می‌کرد درست کردن، در این خلال فرمانفرما وارد می‌شد، فرمانفرمای آن وقت را شما شاید نمی‌دانید چه مسأله‌ای بود. ایشان می‌گفت که قلیان را دستش می‌داد می‌گفت که شما آبش را بریز تا من آتشش را روشن کنم... این برای این بود که برخورد با این مغزهای فاسد گاهی باید طوری باشد که از اول طمع نکند به آن طرف، اگر چنانچه با تواضع، خضوع و آن طوری که آن وقت‌ها متداول بود رفتار می‌کردند او طمع می‌کرد، اگر چنانچه مطلبی دارد تحمیل کند.^{۱۸}

این رفتار مدرس در برخورد با مقامات عالی سلطان عثمانی نیز دیده می‌شود؛ به‌طور مثال هنگام ملاقات رسمی با پرنس سعید حلیم پاشا و طلعت پاشا وزیر جنگ و دیگر وزرای عثمانی در هیأت وزرا (باب عالی)، با این‌که اتاق مبله بود، مدرس روی زمین می‌نشیند و تمام وزرا به احترام وی مجبور می‌شوند صندلی‌ها را ترک کنند و روی زمین بنشینند.^{۱۹} امام خمینی به منظور آموزش نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی، در اوج تبلیغات رسانه‌های گروهی جهان و رژیم عراق مبنی بر تلفات گسترده ایران در جنگ و تهدیدهای روزافزون آنان، ضمن یاد کردن از مدرس تأکید می‌کنند که از این تبلیغات و هیاهوها و تهدیدها هراسی به خود راه ندهید:

خوب ما اینها را می‌شناسیم که اینها هیاهوشان زیادت‌تر است، یعنی اصل بنای استعمار از اول این بوده است که با هیاهو کارش را پیش ببرد. با تَشَرُّ کارش را پیش ببرد... روسیه یک وقتی اولتیماتومی داده بود... یک چیزی از مجلس می‌خواستند هیچ کس جرأت نمی‌کرد

صحبت کند، مرحوم مدرس گفت... رأی بر خلاف دادند و هیچی هم نشد.^{۲۰}

۶. امام آن‌گاه که می‌خواستند به گونه قَلّ و دَلّ صحبت کنند و به مردم برای شرکت در انتخابات نمایندگی مجلس رهنمود دهند، برای این‌که همه معیارهای مثبت و بایسته را بیان کرده باشند به مردم توصیه می‌کردند:

سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید. البته مثل مدرس را که به این زودی‌ها پیدا نمی‌شود. شاید آحادی مثل مدرس باشد، کسانی را که انتخاب می‌کنید باید مسائل را تشخیص دهند، نه از افرادی باشند که اگر روس یا امریکا تشری زد بترسد، باید بایستد
مقابله کند.^{۲۱}

۷. امام خمینی هنگام سخن با نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی از مدرس به عنوان الگویی شایسته یاد می‌کنند. ایشان از یک سو، از نقش برجسته و شخصیت ممتاز و تعیین کننده و شجاعت مدرس در مجلس سخن می‌گویند و از سوی دیگر، ریشه چنین رفتار سیاسی را در ساده زیستی، تقوا و خداجویی و در قدرت عالی روحی وی می‌دانند. یکی از دلایل حضور فعال در امور سیاسی، بریدن رشته تعلقات است. امام از حضور قاطع مرحوم مدرس در صحنه‌های سیاسی چنین یاد می‌کنند:

برای این‌که وارسته بود. وابسته به هواهای نفسانی نبود... این برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند. او برای خدا عمل می‌کرد و کسی که برای خدا عمل کند وضع زندگی‌اش هم آن است. دیگر از آن وضع بدتر که دیگر نمی‌شود برایش، برای چه بکند، از هیچ کس هم نمی‌ترسد...^{۲۲}

شما می‌دانید و ما هم می‌دانیم مدرس یک مالایی دیندار بود. چندین دوره زمامداری مجلس را داشت و از هرکس برای استفاده مهیا بود. بعد از مردن چه چیزی به جای گذاشت جز شرافت و بزرگی.^{۲۳}

۸. امام حتی وقتی می‌خواهند کاندیداهایی را که در انتخابات رأی نیاورده‌اند تشویق به ماندن در صحنه کنند، از مدرس شاهد می‌آورند:

این‌طور نباشد که حالایی که مطابق میل من نشده من کنار بروم... مرحوم مدرس گفته بود که من با جمهوری مخالفم... لکن اگر جمهوری شد کنار نمی‌روم، من در میدان هستم.^{۲۴}

۹. یکی دیگر از موارد جالبی که امام در زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی، در خصوص رفتار سیاسی مدرس به آن اشاره می‌کنند نحوه برخورد با گروه‌های مخالف داخلی است که در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و آموزشی سرگرم آشوب و تبلیغات بودند. در این خصوص نیز امام در دیدار دانشجویان دانشگاه تهران از مدرس شاهد مثال می‌آورد:

آقا نشسته‌اید که چهار تا کمونیستی بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را؟ شما کمتر از آنها هستید؟ عده شما بیشتر از آنهاست. حجت شما بالاتر از آنهاست. مرحوم مدرس - خدا رحمتش کند - مردی بود که ملک‌الشعرا گفته بود،^{۲۵} از زمان مغول تا حالا مثل مدرس نیامده. می‌گفت بزنید که بروند از شما شکایت کنند نه بخورید و بروید شکایت کنید. من رفتم پیشش. اخوی به ما نوشته بود که یک نفری است این‌جا رئیس غله است... به من نوشت که بروید به مدرس بگویید که این مرد فاسدی است، دو تا سگ دارد. یکی‌اش را اسمش را سید گذاشته و یکی‌اش را شیخ... [مدرس] گفت بکشیدش، گفتم آخر چطور بکشیم... اینها [گروهک‌ها] تودهنی می‌خواهند آقا!^{۲۶}

امام در وصیت‌نامه سیاسی، الهی خود نیز از مدرس و اولتیماتوم روسیه برای نصیحت به عدم تمایل و گرایش هواداران گروه‌های شرق و غرب یاد می‌کنند.^{۲۷}

۱۰. از اظهارات امام خمینی در چهار مناسبت صریحاً یا تلویحاً چنین برمی‌آید که مرحوم مدرس را از نزدیک دیده است: یک مرتبه در مجلس شورای ملی که امام به عنوان تماشاگر رفته بودند؛ مرتبه دوم، در مدرسه سپهسالار (استاد مطهری فعلی)؛ مرتبه سوم که حامل نامه‌ای از سوی برادرش به مدرس بوده‌اند؛ نوبت چهارم، زمانی که فردی در حضور ایشان نامه‌ای به مدرس داده است. بنابراین علاوه بر آنچه از دور در باره ایشان شنیده‌اند از نزدیک نیز با مرحوم مدرس ملاقات‌هایی داشته‌اند و رفتارهای ایشان را مشاهده کرده و از ایشان الهام گرفته‌اند. امام همواره با عظمت و به گونه‌ای تأییدآمیز از مدرس سخن می‌گویند:

مدرس یک انسان بود، یک نفری نگذاشت پیش برود کارهای او را، تا وقتی که کشتندش. یک نفری غلبه می‌کرد بر همه مجالس، بر اهالی که در مجلس بودند غلبه می‌کرد. یک نفری... من آن وقت مجلس رفتم برای تماشا، جوان بودم، مجلس آن وقت تا مدرس نبود مثل این‌که چیزی در آن نیست، مثل این‌که محتوا ندارد.

امام با اشاره به قضیه اولتیماتوم روسیه و نقش مدرس می‌گویند:

یک انسان وقتی در یک ملت پیدا بشود می‌تواند که مجرای امور را از آن طریقی که آنها می‌خواهند برگرداند. آن چیزی که آنها می‌خواهند نگذارد بشود.^{۲۸}

در سخنرانی دیگری از دیدار خود با مدرس در مدرسه سپهسالار (استاد مطهری فعلی) یاد می‌کنند و از «قدرت روحی بالا» ساده‌زیستی و وارستگی و میرا بودن از هوا و هوس او با عظمت یاد می‌کنند: من درس ایشان یک روز رفتم. می‌آمد در مدرسه سپهسالار که مدرسه شهید مطهری است درس می‌گفت. من یک روز رفتم درس ایشان. مثل این‌که هیچ کاری ندارد فقط طلبه‌ای

است دارد سخن می‌گوید. این‌طور قدرت روحی داشت، در صورتی که آن وقت در کوران آن مسائل سیاسی بود که حالا باید برود مجلس و آن بساط را درست کند... آن وقت هم که می‌رفت مجلس یک نفری بود که همه از او حساب می‌بردند... این برای چه بود؟ برای این‌که یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و امثال ذلک هیچ اعتنا نمی‌کرد. نه مقامی او را جذبش می‌کرد.^{۲۹}

ذکر این موارد مبنی بر ملاقات حضوری امام با مدرس از این جهت است که گفته شود آشنایی و شناخت امام از مدرس صرفاً با تکیه بر مسموعات یا «مطالعه کتابخانه‌ای» نبوده است، بلکه با دستمایه‌ای از «تحقیق میدانی» نیز آمیخته است.

۱۱. در مطالعه رفتارهای سیاسی امام خمینی و مدرس به رفتارهای سیاسی گوناگونی برمی‌خوریم. مدرس در طول حیات خود با رخدادهای سیاسی گوناگونی نظیر انقلاب مشروطیت، استبداد صغیر، کودتای رضاخان، جنگ جهانی اول، دوره‌های نمایندگی مجلس شورای ملی، اقدامات رضاشاه و انعقاد قراردادهای خارجی مواجه بوده است. مسائلی که تقریباً به گونه جدی‌تری در حیات امام خمینی نیز تکرار می‌شود. در رفتار سیاسی مدرس گونه‌های زیر مشاهده می‌شود:

مشارکت در انقلاب مشروطیت، نطق‌های منطقی و کوبنده ایشان به‌ویژه در مجلس، نمایندگی از سوی مراجع به عنوان یکی از علمای طراز اول برای نظارت بر مصوبات مجلس شورای ملی، نمایندگی مجلس شورای ملی در پنج دوره (دوره‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم)، ریاست یا نایب ریاستی مجلس به‌طور مکرر، مخبره تلگراف‌های متعدد در موضوع‌های گوناگون، تحسن در حضرت عبدالعظیم، مرقومه به روزنامه‌ها (از جمله روزنامه برق و اطلاعات)، تأیید حرکت‌های انقلابی (نظیر حرکت علمای اصفهان)، انتشار بیانیه‌ها به مناسبت‌های مختلف (از جمله درباره کودتای رضاخان)، ملاقات‌های سیاسی داخلی و خارجی، فعالیت‌های گسترده سیاسی در مجلس و خارج از آن و ارائه پیشنهادها، ابتکاری، استیضاح رئیس‌الوزرا و مهاجرت از تهران به قم، کاشان و کرمانشاه و تشکیل حکومت موقت مقارن با جنگ جهانی، مخالفت‌های سرنوشت‌سازی همانند مخالفت با اولتیماتوم روسیه، مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹، مخالفت با طرح جمهوری رضاشاه.

مرحوم مدرس هزینه سنگینی بابت این مشارکت‌های سیاسی پرداخت کرده است:^{۳۰} تحمل رنج مهاجرت و هجوم تبلیغاتی و فیزیکی دشمنان حتی در مجلس شورای ملی که در دو سه نوبت تکرار شده، از جمله کتک خوردن او در جریان جمهوریت. سوءقصد و ترور وی که در سه نوبت تکرار شد و هر سه نوبت نافرجام ماند. دستگیری‌های متعدد از سوی جناح‌های گوناگون، تبعید و سرانجام «شهادت» ایشان.

در رفتارشناسی سیاسی امام خمینی نیز تقریباً همه این موارد جز تحسن و شهادت مشاهده می‌شود. به علاوه موارد متعدد دیگری در رفتارهای سیاسی امام خمینی دیده می‌شود که در مورد مدرس تحقق نیافته است. همچنین قابل ذکر است که درصد توجه امام خمینی به مسائل جهان اسلام به مراتب بیشتر از مدرس است، در حالی که درصد ملاقات‌های مدرس با مقامات رسمی و حکومتی گسترده‌تر از ملاقات‌های بسیار نادر امام خمینی با زمامداران حکومتی رژیم پهلوی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه مورد بحث قرار گرفت می‌توان مبانی نظری رفتار سیاسی امام خمینی و مرحوم مدرس را در دو مقوله زیر بیان کرد:

الف) مرحله براندازی رژیم شاه

در این مرحله کیفیت مقابله مدرس با رضاخان بر دیدگاه امام خمینی در رویارویی با محمدرضا تأثیر گذاشت. هرچند مبارزه مدرس با قدرت‌های بزرگ روس و انگلیس در مقایسه با مقابله و مبارزه امام با امریکا و شوروی بسیار کوچک است، اما امام بارها از ماجرای اولتیماتوم یاد می‌کنند و در موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی، آن را شاهد مثال می‌آورند. هرچند که امام در مواردی به تفاوت‌های نشأت گرفته از مقتضیات زمانی اشاره دارند. از جمله این که قدرت رضاشاه را به مراتب قلدرتر و سرکوبگرتر از پسرش می‌داند و نیز از همراهی نکردن مردم با رهبری مدرس سخن به میان می‌آورند، در حالی که قدرت سرکوبگری محمدرضا کمتر بود و از آن مهم‌تر همراهی کم‌نظیر مردم یکی از رموز موفقیت امام به شمار می‌آید. فراتر از آن، میزان ستیز، مبارزه و برخورد امام خمینی بنیادی‌تر از مرحوم مدرس است، زیرا مدرس خواستار «حفظ وضع موجود و نظام سلطنتی» بود. او در پنج دوره، نماینده مجلس شورای ملی بود. امام گاه تجارب سیاسی مرحوم مدرس را در یک چارچوب نظری سیاسی مورد توجه قرار می‌دهند و زمانی یک رفتار سیاسی مقطعی وی در مجلس علیه اولتیماتوم روسیه یا عکس‌العمل ایشان در قبال فرمانفرما را به عنوان الگوی مناسبی در وضعیت‌های مشابه و برخورد با نخبگان سیاسی مغرور داخلی یا نمایندگان قدرت‌های خارجی در نظر می‌گیرند و خود نیز عملاً چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دهند؛ از جمله می‌توان به اعتراض علیه کاپیتولاسیون و نیز قضیه اشغال لانه جاسوسی اشاره کرد.

ب) مرحله سازندگی و استقرار نظام جمهوری اسلامی

تأثیرپذیری امام از آرا و رفتار سیاسی مدرس همچنان پس از پیروزی انقلاب نیز موضوعیت خویش را در اندیشه امام حفظ کرد. امام در این مرحله نیز از شخصیت و رفتار او در مرحله سازندگی سخن می‌گوید. در این مرحله امام از انسان‌سازی، کمال و قوت روحی مدرس، شجاعت و نهراسیدن از تهدید قوای خارجی، ساده‌زیستی طلبگی و جذب قدرت سیاسی و مقام و ریاست نشدن وی یاد می‌کنند. از الگو قرار دادن مدرس برای نخبگان سیاسی و نمایندگان مجلس به منظور پرهیز از دنیاطلبی یاد می‌کنند و ضمن ذکر اهمیت انسان‌سازی اندیشه‌های او برای مراکز آموزشی، خاطرنشان می‌سازند که با تربیت انسان، او می‌تواند مسیر حوادث یک ملت یا حتی جهان را تغییر دهد. بدین ترتیب ضمن بررسی مبانی نظری مشابه رفتار سیاسی این دو متفکر، تأثیر آن در شناخت اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی آشکار می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. امام خمینی، صحیفه نور (تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸) ج ۱۹، ص ۶۶ (۱۳۶۳/۶/۲۸).
۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۶ (۱۳۴۳/۸/۳).
۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۱ (۱۳۵۶/۱۰/۱۰).
۴. امام به علل اولتیماتوم روسیه اشاره‌ای نکردند و در مواردی نیز فرموده‌اند «نمی‌دانم». اما اولتیماتوم روسیه بر سر اخراج مورگان شوستر امریکایی بوده است. در آن تاریخ هنوز خصلت امپریالیستی و تجاوزگری امریکا نمود عینی نداشت و به جای آن انگلیس و روسیه در ایران مورد سوءظن بودند. برای کم و کیف موضوع اولتیماتوم، ر.ک: حسین مکی، قهرمان آزادی (تهران: بنگاه نشر و ترجمه، ۱۳۵۸) ج ۱، ص ۱۰۳.
۵. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۴۱ (۱۳۵۷/۸/۱۸).
۶. صحیفه نور، ج ۲، ص ۲ (۱۳۵۶/۱۰/۱۹).
۷. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران (مقدمات تغییر سلطنت) - (تهران: نشر ناشر، چاپ پنجم، ۱۳۶۲) ج ۲، ص ۵۰۰.
۸. صحیفه نور، ص ۴۹۹ و ۵۰۶.
۹. غلامرضا فدایی، «مدرس مجتهدی وارسته و سیاستمداری آگاه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۵۲-۵۱، ص ۴۳.
۱۰. صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۹۹ (۱۳۵۸/۴/۳۰).
۱۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۵ (۱۳۵۹/۳/۱۴) و همچنین ر.ک.: ج ۱۹، ص ۱۹۶ (۱۳۶۴/۵/۸).
۱۲. همان، ج ۸، ص ۲۴۱ (۱۳۵۸/۵/۲۶).
۱۳. همان، ج ۱۳، ص ۲۰۹ (۱۳۵۹/۹/۲۷).
۱۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۸ (۱۳۶۱/۶/۷).
۱۵. همان، ج ۵، ص ۵۲ (۱۳۵۷/۱۱/۱۷).
۱۶. همان، ج ۹، ص ۹۳ (۱۳۵۸/۶/۲۱) و همچنین ر.ک.: ج ۱۰، ص ۴۲ (۱۳۵۸/۲/۴۲) و ج ۴، ص ۴۴ (۱۳۵۷/۹/۱۸).
۱۷. امام خمینی، کشف اسرار، ص ۹.
۱۸. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۶۱ (۱۳۵۹/۱۰/۱۶) و همچنین ر.ک.: ج ۴.
۱۹. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲۰. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۴۵ (۱۳۶۲/۱۴/۱۲) - (خطاب به استانداران سراسر کشور).

۲۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۹۸ (۱۳۶۲/۱۰/۱۲).

۲۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۹ (۱۳۶۱/۶/۷).

۲۳. امام خمینی، کشف اسرار، ص ۳۲۴.

۲۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۶ (۱۳۶۴/۵/۸).

۲۵. قول ملک الشعراء در: حسین مکی، قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۷۷۴.

۲۶. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۰۳ (۱۳۵۸/۲/۲۳) و نیز ج ۶، ص ۳۲ (۱۳۵۸/۱/۲۹).

۲۷. همان، ج ۲۱، وصیت نامه سیاسی الهی امام.

۲۸. همان، ج ۷، ص ۶۳ (۱۳۵۸/۳/۱۶).

۲۹. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۹ (۱۳۶۱/۶/۷).

۳۰. برای اطلاعات و بررسی بیشتر در خصوص جزئیات این رفتارها و نیز اسناد و مدارک آن، ر.ک: مدرس و مجلس؛ نامه ها و اسناد؛ (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳). همچنین برای کسب اطلاع از کتب و مقالات منتشره درباره مدرس، ر.ک: مجله مجلس و پژوهش، ش ۱۳ (دی و بهمن ۱۳۷۳) و کتابشناسی مدرس ص ۱۹۱ - ۲۰۲.